

حرکت انسان در قیامت اعم از حرکت مادی است

حجت الاسلام امیرحسین شکیبافر با اشاره به اینکه نفس موجودی نیمه مجرد است و در اثر رشد به مجرد تام می‌رسد، بیان کرد:



حجت الاسلام امیرحسین شکیبافر با اشاره به اینکه نفس موجودی نیمه مجرد است و در اثر رشد به مجرد تام می‌رسد، بیان کرد: تمام اعمالی که در دین هست ما را مجرد می‌کند. شما وقتی نماز می‌خوانید تعلق را کم می‌کنید و در انفاق ... نیز همین طور است و گویی آرام آرام تعلق انسان را کم می‌کند.

به گزارش ایکننا، سومین جلسه از سلسله جلسات با موضوع زندگی پس از مرگ (موافق حشر) شب گذشته ۱۵ فروردین با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین امیرحسین شکیبافر، محقق و پژوهشگر علوم اسلامی، برگزار شد.

در ادامه خلاصه ای از مباحث مطرح شده در این جلسه را می‌خوانید:

موافق حشر آن موقف ها و مراتبی است که یک فرد باید طی کند تا آماده ورود به بهشت یا جهنم شود. برخی این را مساوق با حرکت دانسته و گفته اند که در برزخ و قیامت یک نحو حرکت وجود دارد. البته بزرگان فلسفه می‌دانستند که چنین حرکتی یعنی حرکت مادی در برزخ و در قیامت ممکن نیست؛ چون هر شیئی که بخواهد حرکت کند باید دارای ماده و استعداد باشد. چرا عوالم بالاتر اقتضای مادیت ندارند؟

اگر کمترین مسئله ای در عالم ماده هست و بخواهد در عالم بالاتر نیز رخ دهد، باز هم عالم ماده است؛ بنابراین مادی نگری در بحث قیامت بسیار اشتباه است. البته در برزخ و قیامت جسم داریم اما مادی نیست؛ یعنی آن استعداد و حرکت را ندارد. قرآن می‌فرماید: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ»؛ یعنی آنچه نزد شماست از بین رفته است و آنچه نزد خداست بجا دارد. وقتی نفخه اول صورت می‌گیرد ما از این عالم منتقل می‌شویم و قرآن می‌گوید: قیامت باطن اینجاست. دنیا ظاهر و قیامت باطن است و وقتی عالم باطن شد، شرایط ظاهر را ندارد. پس هرچه در قرآن وجود دارد، که به ظاهر ختم می‌شود، تمثیلی از باطن به صورت ظاهر است تا بتوانیم بفهمیم وگرنه فهم این نکته در اندازه ما نبود.

در قیامت همه چیز هلاک می‌شود، مگر وجه رب که می‌ماند و ارتباط با حق نیز باقی و ثابت است و دار آخرت دار ثبات محسوب می‌شود. پس حرکت مادی قطعاً وجود ندارد. برخی از علما مانند مرحوم آقای شجاعی می‌گویند یک حرکتی هست، اما نه از جنس حرکت مادی. حرکت است؛ چون اگر برزخ را طی نکنید به قیامت نمی‌رسید و همین که از طی کردن سخن گفته می‌شود؛ یعنی حرکت وجود دارد اما طی کردن حرکت انتقالی نیست، بلکه مراد تغییر نشئه است. تا اینجا می‌گوییم حرکت هست و ماده وجود ندارد، ولی جسم هست و مانند سببی که رشد کند نخواهد بود، اما حرکتی متناسب با آنجاست و توضیح نمی‌دهند که این حرکت چگونه است؟

توجه کنید که وقتی انسان با حق برخورد می‌کند همه این چیزها برایش اتفاق می‌افتد. علامه طباطبایی می‌گوید که همان اسمی که بهشت را برای بهشتی بهشت می‌کند همان اسم جهنم را برای جهنمی جهنم می‌کند. در قرآن نیز گفته شده که عذاب از جانب رحمان است. مانند آدمی که قند دارد که اگر به او طالبی بدهید و بخورد، تا دم مرگ می‌رود، اما همان را یک نفر دیگر می‌خورد و بسیار لذت می‌برد؛ بنابراین این دو به دلیل مدل درونشان تفاوت دارند. همچنین کسی وقتی قرآن می‌خواند گویی که عذاب می‌کشد و اگر قرآن پخش شود، خسته می‌شود، اما فرد دیگری لذت می‌برد. در مورد عبادت نیز چنین است. بنابراین این اتفاق یکبار رخ می‌دهد، اما اگر بگویید قیامت یا برزخ دار حرکت نیست، چنانچه کسی گناهی را مرتکب شده باشد هرچقدر که با او برخورد شود گناه می‌ماند و تکان نمی‌خورد و ممکن نیست که صاف شود، این اشکالی است که وارد می‌شود و باید به آن پرداخت.

تقریری بر مفهوم حرکت

ما یک حرکت داریم که اعم از حرکت مادی است و آن حرکت از ماده به فعلیت نیست. حرکتی که در ماده است حدوث زمانی دارد؛ یعنی چیزی زمانی نبوده و بعد بود شده است. شما در تاریخ فلان نبودید و در فلان تاریخ به دنیا آمدید. پس حدوث زمانی دارید و وجود شما مسبوق به عدم زمانی است و به آن حدوث زمانی می‌گویند. همه موجودات این حدوث را دارند و حدوث نیاز به ماده دارد و تا زمانی که ماده وجود شما نباشد، حدوث زمانی ندارید.

یک حرکت مربوط به حدوث ذاتی است. برای نمونه در فلسفه می گویند اولین چیزی که خلق شد عقل بود، اما عقل در زمان ایجاد نشد. این سینا می گوید وقتی کلید را درون قفل می اندازید تا قفل را باز کنید، ابتدا دست شما حرکت می کند یا کلید یا هردو همزمان؟ هردو باهم، اما تا دست حرکت نکند، کلید هم حرکت نمی کند. پس حرکت دست بر حرکت کلید تقدم دارد، اما تقدم رتبی نه زمانی. حال در عالم بالاتر موجوداتی که به وجود می آیند مسبوق به عدم زمان نیستند و آنجا زمان نیست، اما خدا بر همه تقدم رتبی دارد و آنها پس از خدا هستند.

مثال دیگر این است که شما مسائل پیچیده ریاضی را می دانید و در ذهن شما دو به علاوه دو چهار می شود و مقدم بر مسائل پیچیده ریاضی است، اما تقدمش زمانی نیست. وقتی می خواستید یاد بگیرید تقدم زمانی داشت، اما وقتی تبدیل به صورت ذهنی شد، دیگر تقدم زمانی ندارد. مثال دیگر اینکه شما یک مربع در ذهن ترسیم و آن را تقسیم کنید. این تقسیم در زمان است، اما تقسیم در ذهن موجب نمی شود که مربع اول از بین برود. شما چهار تقسیم دیگر در ذهن آورده اید و این صورت پس از صورت است و مسئله اصلی محسوب می شود. حرکت ما در برزخ و قیامت مادی نیست

حرکت ما در برزخ و قیامت مادی نیست. عقل همیشه هست و رتبه اش مقدم است و متأخر از خداست، اما خدا همیشه قبل از آن است و رابطه خدا با عقل اول زمانی نیست؛ چون خدا زمان ندارد و رابطه خدا با ما نیز همین طور است و زمانی نیست. الان فکر می کنید خدا نشسته تا آینده ما بیاید؟ اینطور نیست، چون اول و آخر نزد او حاضر است، نه اینکه از اول می فهمد که شما چه هستید. یعنی اگر پرده برداشته شود، معلوم است که هر کدام از ما کجا هستیم و وقتی شما رشد می کنید، در حقیقت از سنخ صورت بعد از صورت است.

همچنین نفس ما نیروی مجرد است و دارد تجرد پیدا می کند. آنکه مجرد نیست مادی است و جسم مادی صدرصد، اما نفس نیمه مجرد است؛ چون هنوز محتاج تن است و وقتی می خواهد کار کند و نیاز به دست و پا دارد و برای ادامه حیات نیاز به خوردن و خوابیدن دارد. نفس به دنیا آمده است و می خواهد رشد کند و کامل یعنی مجرد تام و تعلقش از ماده قطع شود. کارکرد اعمال دینی کاهش تعلقات است

تمام اعمال دین می خواهد ما را مجرد کند. وقتی نماز می خوانید تعلق را کم می کنید و در انفاق و ... نیز همین طور است و گویی می خواهد آرام آرام تعلق انسان را کم کند. ما داریم رشد می کنیم اما رشد ما نزد خدا حاضر است. عمل انسان به سوی خدا می رود اما خدا او را به تدریج و زمانی نمی گیرد و به تدریج تجرد پیدا می کنیم. در هر عملی که انجام می دهیم، این عمل با خدا ملاقات می کند و ما در سایه و اندازه آن عمل با خدا ملاقات می کنیم که آن ملاقات در ما آثاری دارد.

آیت الله جوادی آملی هم تعبیری دارند و آن اینکه قیامت در آینده نمی آید، بلکه قیامت می آید تا گذشته و حال و آینده را جمع کند. پس مانند این است که یکباره همه ما با خدا ملاقات می کنیم و یکباره این آثار را می پذیریم. موجودی که حرکت کرد به تجرد تام می رسد و حالا به موافق حشر می رسد. موافق حشر یعنی همین هویتی که با خدا مرتبط می شود که یکی یکی خودش را نشان می دهد. برای تقریب به ذهن، مثل این است که بگوییم قیامت در یک لحظه صورت می گیرد. مثلاً خدا گفته حساب. حساب یعنی نتیجه بخشی به این اعمال که خدا به آنها نتیجه تکوینی می دهد و این طور نیست که حاصل را روی عمل سوار کنند، بلکه حاصل است. بنابراین می توانیم بگوییم که حشر با اینجا ارتباط نزدیکی دارد و در جلسات بعد به آیات و روایات مرتبط با این بحث می پردازیم.